

نسخه خوانی (۲۴)

۱۷۰-۱۵۹



نویسنده در نوشتار حاضر در قالب بیست و چهارمین
سلسله یادداشت‌های با عنوان نسخه خوانی، متن چند
سند را بررسی کرده است. عناوین این یادداشت‌ها عبارتند

از
رتال جامع علوم انسانی

تشیع از قم تا سبزوار در سال ۷۰۰ هجری

آیا ابن سینا امامی مذهب بود؟

یک سند از پشت یک نسخه خطی

یک نمونه حکم قضایی از دوره قاجار

پرداخت مخارج دوره آبستنی

یادداشت‌هایی درباره چهار زلزله در پشت یک نسخه

در نجف اشرف خوش گذشته است!

تخریب میخانه شیراز

Manuscripts (24)

Rasul Jafarian

In the present article, the author has reviewed the text of several documents as the twenty-fifth part of the notes published under the title of manuscripts. The titles of these notes are:

Shiism from Qom to Sabzevar in the year 700 AH

Was Ibn Sina an Imami?

A document from behind a manuscript

An example of a court sentence from the Qajar period

Payment of pregnancy expenses

Notes on four earthquakes on the back of a manuscript

Having a good time in Najaf Ashraf!

Destruction of Shiraz pub

قراءات في المخطوطات (٢٤)

رسول جعفریان

الخلاصة: يقدم الكاتب في مقاله الحالي - الذي يمثل الحلقة الخامسة والعشرون من سلسلة مقالاته عن المخطوطات - نصوص عدد من النسخ مع ملاحظاته النقدية عليها. والنصوص هي:

١ - التشيع من قم إلى سبزوار في السنة ٧٠٠ الهجرية.

٢ - هل كان ابن سينا إمامي المذهب؟

٣ - إحدى الوثائق في خلفيّة إحدى النسخ الخطيّة.

٤ - نموذج لأحد الأحكام القضائيّة من العهد القاجاري.

٥ - دفع مصاريف فترة الحمل.

٦ - خواطر عن أربعة زلازل في خلفيّة إحدى النسخ.

٧ - إقامة ممتعة في النجف الأشرف.

٨ - تخريب حتمارة شیراز.

تشیع از قم تا سبزوار در سال ۷۰۰ هجری

نسخه های خطی و یادداشت های روی آنها، همیشه سند مهمی برای تاریخ اند، و در همین زمینه برای شناخت تاریخ تشیع، نسخه های فقهی و کلامی شیعه، در ادوار مختلف تاریخ، راهنمای خوبی هستند. یکی از این آثار، کتاب جامع الوفاق و الخلاف از یک قمی الاصل است که در سبزوار زاده شده و رشد کرده، و کتابش را در فقه خلاف و وفاق، مبتنی بر غنیة النزوع این زهره، در رجب سال ۶۹۸ در شهر مشهد تألیف کرده است.

نام مولف چنان که کاتب آورده، «... بدر الاسلام و المسلمین علی بن محمد بن محمد قمی اصلا، السبزواری مولدا و منشئاً» است، نامی که عجالتا شناخته شده نیست، اما چنان که در آغاز کتاب آمده، وقت تألیف سنش از هفتاد گذشته بوده است. [صفحه اول نسخه افتاده است]. علی القاعده، فقیهی از خاندانی قمی بوده که بسا پدر یا جدش یا به همراه مادرش، به سبزوار رفته و این کتاب را البته در مشهد نوشته است.

اثر مزبور بر محور یک کتاب مهم فقهی «غنیة النزوع» از یک عالم شیعی حلبی نوشته شده، اثری که از آثار فقهی قابل اعتماد برای شیعیان بوده است. دو سه قرنی بود که شیعیان حلب و عراقی و ایرانی با هم در ارتباط بودند. تنها نسخه برجای مانده این اثر در کتابخانه مرکزی با شماره ۶۷۰۲، دو سال بعد از تألیف یعنی در سال ۷۰۰ کتبت شده است. کاتب این اثر، حسن بن محمد بن عبدالعزیز ایامی [یا الرباطی] [با تردید] است که آن را در روز چهارشنبه وقت نماز عصر، ۲۰ جمادی الاولی سال ۷۰۰ به اتمام رسانده است. ظاهراً عبارت در اینجا تمام شده و دیگری در اینجا افزوده: «این اثر برای مولفش یعنی همان علی بن محمد بن محمد القمی» نوشته شده که ضمن آن با القابی بلند او را ستایش کرده است: «لاجل صاحب الكتاب، الامام الهمام، العالم العامل، الفاضل الكامل، ملک الزهاد والعباد، قدوة الاولیاء والاولاد، نجم الملة والدين، بدر الاسلام و المسلمین علی بن محمد بن محمد القمی اصلا السبزواری مولدا و منشئاً...» تحریر فی الثالث من ذی القعدة سنة سبعمائه. و افزوده شده است که این سطور اخیر، توسط «محب صاحب الكتاب» محمد بن علی شاه نوشته شده است. این هم نام سومی است که در اختیار داریم.

تا اینجا، چند اسم و تاریخ داریم که پرتوی بر عنوان «تشیع از قم تا سبزوار در حوالی سال ۷۰۰» می اندازد. این کتاب در سال ۱۴۲۱ قمری، توسط آقای حسنی بیرجندی منتشر شده و متن آن در سی دی جامع فقه آمده است. ممکن است در خوانش برخی از این کلمات، تسامحی رخ داده باشد. تصویر صفحه را می گذارم. در باره این کتاب، می توان به فهرست میکروفیلمها ۳۱۲/۱ و فهرست دانشگاه: ۳۵۶/۱۶ مراجعه کرد.

والله اشاد الى الحق وطرفه نعم الى تقاض الصفت من شهر الله المبارك
رجب المشهور المعظم للامام المحترم علي بن ابي رضا عليه السلام
سنة ثمان و تسعين و مائة
وا محمد لله اولاد اخرًا

وهو للفرائح كتابه الاعداء صفح احاطي الحاح الى باد الله ورحمته
احسن محمد عبد العزيز الذي اصبح لله اعانه يوم الورد عاد وصلو
العصر في العرس من حادي الاول في سبانه حاد اصطفا لما
لا ط صحت الكتاب من امامها الماهر العالم العامل
الفاضل الكامل ملك الزهد والعلم ودره بر اولياء
و بر اول نجر الملوك من بلادها والبر علي بن
محمد بن يحيى اصلا الت بوزاري مولد في منشأ
معهد الله و بامانه و و فصد على الطاعة
و الكتاب التعلقات و طريح بر اللذات
محمد بن ابي المكارم في الفقه معناه
و كنه بر اصطلاح الداعي في المنة
و الموصات و محصاه الكتاب
محمد بن علي بن ابي طاهر عمه له و لوالده
و طبع المشرق و الموصات
بعضه و بامانه ايمت الدعوى
و دعي احسانات

مبارك في اسبوعه
من غير شخص مثل
فلا القوم
عجبت لمن اتقوا بانه
لنوع من الناس
بعضهم يعمل الخير
بعضهم يعمل الشر
بعضهم يعمل الخير
بعضهم يعمل الشر

آیا ابن سینا امامی مذهب بود؟ (۴ مهر ۱۳۹۷)

سالها پیش یا دقیقا وقتی در سال ۱۳۶۶ تحریر اول تاریخ تشیع در ایران را می نوشتم، کتاب «توفیق التطبيق فی اثبات أن شیخ رئیس من الامامیه الاثنی عشریه» از علی بن فضل الله گیلانی (زاهدی فومنی) مصحح کتاب توفیق التطبيق این اسم را «القونی» خوانده که ظاهرا خطاست) را دیدم. [شاید این نسبت با شیخ زاهد گیلانی هم مربوط و بسا از نسل همو یا طیفی از وابستگان او باشد].

این کتاب یا رساله بلند اما منحصر به فرد که در اثبات امامی بودن ابن سینا نوشته شده، به گفته مولف آن، در پی بحثی نگاشته شده که در سال ۱۰۶۲ در مجلسی در شیراز برگزار شده، و تاریخ آخر رساله [تألیف نهایی یا کتابت] سال ۱۰۷۰ را نشان می دهد.

زمانی که در سال ۱۹۵۲ کنگره ای برای ابن سینا در بغداد برگزار می شده، یک دانشمند مصری به نام محمد مصطفی حلمی [شاگرد مصطفی عبدالرازق و استاد فلسفه در دانشگاه قاهره] مقاله خود را در باره ابن سینا و شیعه نوشته است. وی در جریان این کار، با نام این کتاب آشنا شده و دو نسخه از آن را به دست می آورد، و سپس کتاب را با یک مقدمه تصحیح و در ۲۴۴ صفحه منتشر می کند [متن کتاب تا صفحه ۹۷ و ادامه تعلیقات مصحح است] (دار احیاء الکتب العربیه عیسی البابی الحلبی و شرکاء، الطبعة الاولى ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۴). او این کتاب را به استادش مصطفی عبدالرازق اهداء کرده و این کتاب اولین کتاب، از یک سری آثاری است که به احترام عبدالرازق قرار بوده منتشر شود [آیا آثار دیگری منتشر شده است یا نه، خبر ندارم].

حلمی در مقدمه ضمن تحلیل محتوای کتاب، می گوید که اطلاعاتی در باره مولف بدست نیآورده است. وی اشاره ای به نسبت گیلانی او دارد و این که آن نواحی، مردمان زیدی بودند و زمان شاه عباس امامی شدند، و البته در طرف لاهیجان بیشتر امامی بودند. ضمنا با استفاده از محتوای کتاب تأکید می کند که او از میراث فلسفی، شرعی و عقلی کاملاً برخوردار بوده و کتابش نشان می دهد که بر اندیشه های فلسفی تسلط کافی دارد. مقصودش همین سنت فلسفی ایران و طبعا شیراز است.

حلمی در حد معلومات خود، احتمالی هم می دهد که کتابی با عنوان شرح قانون از جیلانی نامی، مربوط به او باشد، کتابی که نسخه ای در دار الکتب المصریه به شماره ۱۱۲۳ دارد. هرچه هست، تاریخ نگاهش کتاب، آن چنان که خود مولف نوشته، ابتدایش به سال ۱۰۶۲ بر می گردد که مجلسی در شیراز بوده، و در این باره بحث شده و او کتابش را در سال ۱۰۷۰ نوشته است [و اتمنا هذه الرسالة فی بلدة دار الفضل شیراز] «تمت بعون الله تعالی فی الیوم الخامس عشر من شهر جمادی الاولى فی سنة سبعین بعد الالف من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله و سلم»؛ طبعا باید وفات وی باید پس از آن باشد نه ۱۰۱۸ که گیب در جایی نوشته و ایشان به آن ارجاع داده است. تعلیقات خود حلمی هم بر کتاب بسیار مفصل و ناظر به فصل های مختلف کتاب است.

حالا ما بر اساس فهرس نسخ خطی می دانیم که این شخص، که از علمای مکتب شیراز و از عالمان قرن یازدهم هجری است، چندین رساله و کتاب در چارچوب همان مکتب فلسفی رایج عصر دارد که نسخه های آنها برجای مانده است: اثبات وحدة الواجب، ارادة الله، رساله در معنای اولوا العزم، بطلان الخلاء، توفیق التطبيق، جواب پرسش در باره پیامبران، حل اعضالات فصل «ابطال التکافؤ» از کتاب شفا، رد شبهه ابن کمونه، سیرو سلوک، شرح بیت «کورکورانه مرو در کربلا». [دنا: ۹۸۱/۱۱].

بیفزاییم که از کتاب توفیق التطبيق هم که حلی فقط دو رساله داشته، جمعا هشت نسخه برجای مانده است [دنا: ۴۲۵/۳].

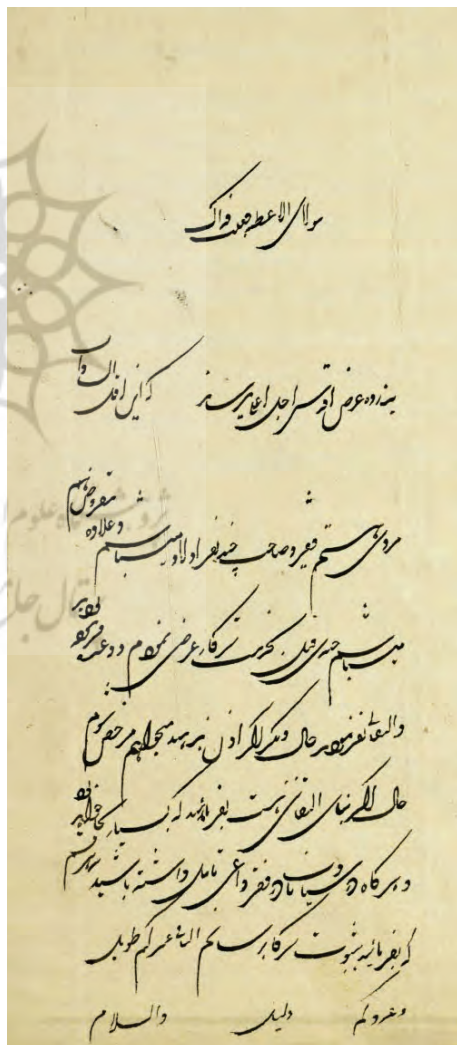
به نظرم نوع نگاه گیلانی، سبک ورود و خروج او در این بحث، و این که اثریک کار پژوهشی در باره ابن سینا از یک نگاه خاص است، صرف نظر از این که استدلالهای او کافی باشد یا نه، اثرش او را ممتاز می کند. ما اغلب جای این سبک و نگاه را در نوشته های فلسفی کم داریم. ممکن است در باره این شخص پژوهشی شده باشد که بنده از آن بی اطلاع، اما چون مدیون این کتاب و نسخه چاپی آن از سی سال قبل بودم، این یادداشت را نوشتم. در معجم المتکلمین (۱۳۹/۴) فقط از همان معلومات حلی در مقدمه توفیق التطبيق استفاده شده است. چنان که نویسنده فلاسفة الشیعه هم به جز آن کتاب، منبعی دیگر ندیده بوده است. بسا در کارهای که در باره مکتب شیراز صورت گرفته، بتوان از پژوهش بهتری سراغ گرفت.

یک سند از پشت یک نسخه خطی

مولای الاعظم جعلت فداک

به ذروه عرض اقدس اجل اعلی می رساند

که این اقل السادات، مردمی هستم فقیر و صاحب چند نفر اولاد می باشم، و علاوه مقروض هم می باشم. چندی قبل به خدمت سرکار عرض نمودم و وعده فرموده بودید، و التفاتی نفرمودید. حال دیگر اگر اذن بدهید می خواهم مرخص شوم. حال اگر بنای التفاتی هست بفرمایید که بسیار بجا خواهد بود. هرگاه در سیادت یا در فقر داعی تامل داشته باشید، به هر قسم که بفرمایید به ثبوت سرکار برسانم. الباقی عمر کم طویل و .. کم دلیل. والسلام.



یک نمونه حکم قضایی از دوره قاجار

چگونگی بررسی های قضایی و صدور حکم در دوره قاجار و پیش از آن، بدلیل عدم وجود اسناد کافی، اغلب مبهم است و هر نوع سندی که در این زمینه یافت شود جالب خواهد بود. این مساله به

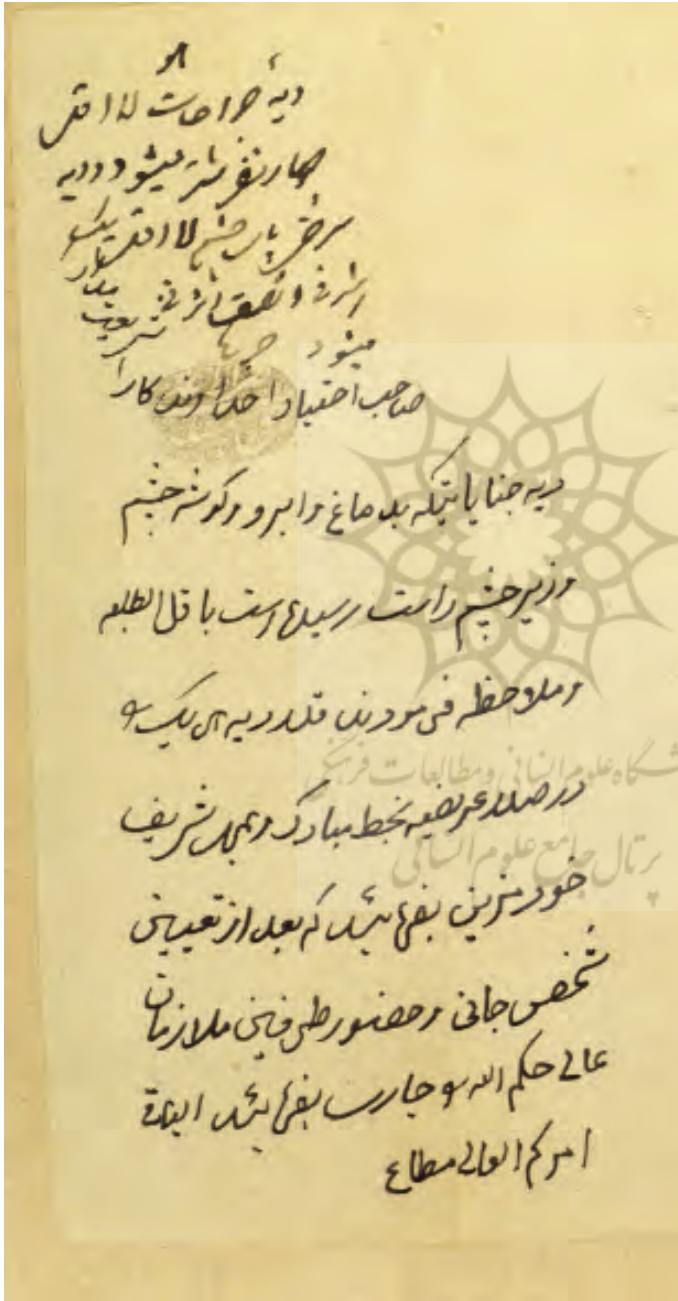
خصوص در حقوق جزا مهم بوده و این که چه روالی برای چگونگی صدور حکم و اجرای آن بوده جالب است. سند کوتاه زیر نمونه ای از این اسناد است: (پشت نسخه شماره ۶۶۵۸ دانشگاه)

صاحب اختیار خداوندگار شریعت مدارا!

دیه جنایاتی که به دماغ و ابرو و گوشه چشم و زیر چشم راست رسیده است باقل الطلبه، و ملاحظه فرمودند، قدر دیه ی هر یک را در صدر عریضه به خط مبارک و به مهر شریف خود مزین بفرمایید که بعد از تعیین شخص جانی، و حضور طرفین ملازمان عالی، حکم الله جاری بفرمایید. الباقی امرکم العالی مطاع

هو

دیه جراحات لااقل چهار نفر شتر می شود، و دیه سرخی پای چشم لااقل یک اشرفی و نصف اشرفی می شود محل مهر: صراط علی حق نمسکه



سند طلاق

برگی است که در آن چند گواهی در باره طلاق ثبت شده است. به نظر می رسد، شخصی زنش را طلاق داده و بعدا این زن، طلاق را منکر شده، یا داستانی مشابه این، و شوهر به دنبال جمع آوری شاهد بوده که حتما طلاق داده است. متن این است و تصویر هم دنباله اش خواهد آمد:

به عرض اقدس عالی می رساند

در خصوص ... اقل میرزا باقر خلف مرحوم آقا عبدالجبار یزدی؟ حاضر شدم در منزل جنابعالی، و زوجه خود را صبیبه آقا صادق چرخ کار، مطلقه نمودم به سه طلاق بشرایط مقرر مشخص، چنانچه مراتب مسطوره حق و صدق است دو کلمه در صدر ورقه مرقوم فرموده و به خاتم شریف خود مزین فرمایید تا عند الحاجه حجت بوده باشد تحریری شهر ذی الحجه الحرام ۱۳۳۲
اجریت صیغه الطلاق محمد صادق

بلی مراتب مسطوره در متن حق و صدق است. در چهار پنج ماه قبل از این مشار الیها را مطلقه نموده به سه طلاق در طهر غیر مواقع او اقرار خود شما و خود مشار الیها و این اقل استماع نمودم صیغه طلاق را. مهر: عبده محمد حسین

احقر که در مجلس طلاق حاضر نبودم، اما یک روز با آقا میرزا محمد باقر و جناب مستطاب آقا میرزا محمد ابراهیم با هم آمدند بنده منزل و مسامت مزبوره اقرار نمود که مرا مطلقه کرده اند و عمل صدافه اش را ختم نمود و الله العالم
مراتب مسطوره صدق است و این اقل هم استماع نمودم.

سند یک ازدواج موقت از سال ۱۲۳۲ از شهر یزد

الزوج: عالی حضرت رفیع منزلت شرافت منقبت میرزا محمد خلف مرحوم میرزا حسین
الزوجه: عصمت پناه بکر بالغه عاقله بگم جانی خانم ابنة محمد یزدی
الصداق: مبلغ یکصد دینار فلوس نقد رایج المعامله دار العباده یزد
المدة: از حال تحریر لغایت مدت سه ماه کامل شمسی متوالی الایام و الالیالی
تحریر فی عصر یوم الجمعة رابع فی شهر ربیع الاخر مطابق ثامن اسفند ماه ۱۲۳۲ اثنین و ثلاثین و
مأتین بعد الالف

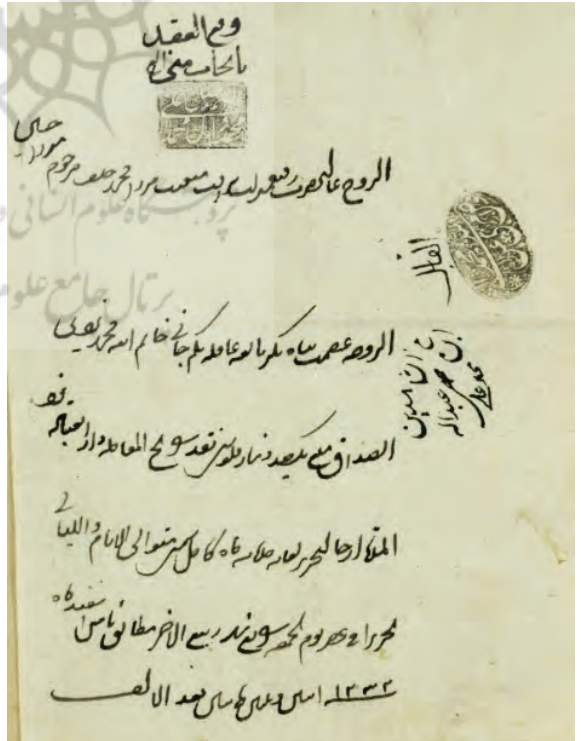
وقع العقد بايجاب منی

مهر [اللهم صل علی محمد و آل محمد]

القابل

مهر [افوض امری الی الله عبده محمد]

من الشاهدین: ابن عبدالله، محمد علی



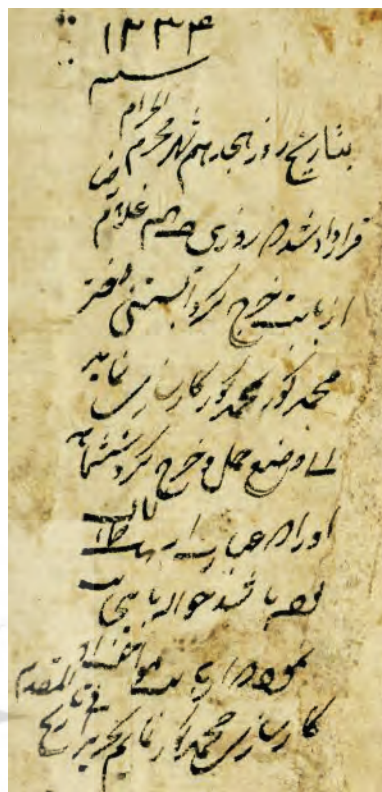
پرداخت مخارج دوره آبستنی

تاریخ روز هجدهم شهر محرم الحرام ۱۲۳۴ قرار داد شد روزی ۷۵ دینار غلام رضا از بابت خرج کرد آبستنی دختر محمد کور، به محمد کور کاسازی نماید الی وضع حمل، و خرج کرد شش ماهه او را که عبارت از یک تومان و ۷۵۰۰ بوده باشد حواله به اینجانب نموده از بابت مواجب او کار سازی محمد کور نمایم، تحریرا فی تاریخ المقدم.

یادداشت هایی در باره چهار زلزله در پشت یک نسخه

چهار یادداشت در پشت یک نسخه [۶۵۵۴ دانشگاه] در باره سه زلزله در قوچان، طی سالهای ۱۲۶۷، ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲ ق و یک زلزله در نیشابور در سال ۱۳۳۸ آمده که جالب و به این شرح است. همه اینها روی یک صفحه آمده است.

[۱] در روز شنبه پانزدهم شهر رجب المرجب دو ساعت و نیم از روز گذشته، زلزله عظیمی آمد در قوچان، که اکثر خوانه ها [کذا] و دکان ها را خراب کرد ۱۲۶۷. تاریخ خراب شدن قوچان: قوچان شد خراب. همچنین زلزله بود در قوچان تا مدت یکماه



[۲] در شب هشتم جمادی الاولی دو ساعت از سر شب گذشته، زلزله عظیمی در قوچان واقع شد که الهی هیچ دیده نبیند. مردم زیاد بقتل رسیدند ۱۳۱۰

[۳] زلزله سال دوم در بیستم رجب المرجب در روز پنج شنبه یک ساعت کمتر از زهر [ظهر] گذشته، چنان زلزله شد که هیچ آبادی در قوچان نماند تا حتما گنبد مطهر حضرت سلطان ابراهیم کوبیده اند ۱۳۱۲

[۴] در شب دوشنبه اول شهر رجب المرجب اول اذان سحر در نیشابور زلزله آمده غریب وه وه، شدت تکان اطاق! بحمد الله ... شد ۱۳۳۸

در نجف اشرف خوش گذشته است!

در یوم شنبه سوم ذی القعدة الحرام ۱۳۱۵ [ق] صبح، این فقیر با آقای ملک محمد خان و میرزا محمد علی و غلام خان بعد از این که حجاج حرکت کردند، و سرکار خان نایب با سرکار محمد حسن خان در کجاوه نشسته رفتند، برگشتیم به قهوه خانه بیرون شهر. عجب بیدستان و نهر آبی داشت، کنار آب محض یادگار این چند کلمه تحریر شد. انشاء الله دل همگی را خداوند خوش کند. (یا علی (مهر)

در روز پنجشنبه یکت که از زلزله گذشته
جان زلزله که بیست و چهار روزی نمانده تا
کنند مظهر حضرت سلطان ابراهیم که پدید آمد
۱۳۱۲

در روز شنبه پانزدهم فروردین در وقت نیم
از روز گذشته زلزله عظیم آمد در قزوین که از آن خانه
و کمان در لایق آباد ۱۲۶۷
مانع از زمین زلزله و چون شد فرار
بجان زلزله که در قزوین نماند

در روز جمعه ششم اول شهر صفا که
اول این شهر در وقت زلزله
از آن شهر که در وقت زلزله
از آن شهر که در وقت زلزله

در شب ششم جماد الاول در وقت از لرزه
گذشته زلزله عظیم در قزوین واقع شد که از آن
بسیار دیده شد و در آن زمان زیاد بقتل رسیدند
۱۳۱۰

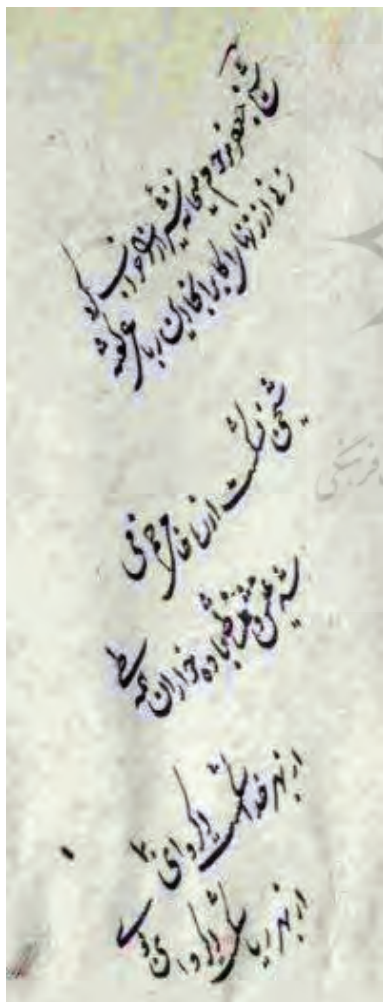
در نجف شرف
ذوالقعدة الحرام
در یوم شنبه سوم شهر محرم الحرام ۱۳۱۵ صبح این فقیر با آقای ملک محمد خان و میرزا محمد علی و علام خان
بعد از اینکه قجاج حرکت کردند و سرکار خان نایب با سرکار محمد حسن خان در کجا نوشته
زقند بر کشیم به قوه خانه بیرون شهر عجب بیستان و نهر آبی داشت کنار آب
محض یا و کار این چند کلمه تحریر شد انشاء الله دل بکمی راضی و ناز خوش کند
ع

تخریب میخانه شیراز

شیخ جعفر مرحوم، میخانه شیراز را خراب کرد. زنی از زندهای اکابر آنجا، این رباعی گفته:

شیخی بشکست از ره خامی، خُم می شد عیش و نشاط باده خواران همه طی

از بهر خدا شکست اگر، وای به ما از بهر ریا شکست اگر، وای به وی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی